

# بزرگان شرق

## حامورابی

از اکتشافات مسیو دو مرگان فرانسوی

کجایند آن پادشاهان عظیم‌الشان که خوشی و  
کامرانی نموده و آخر جام مرگ را سر کشیده‌اند!  
چه بسیار از شهرها که در اطراف جهان بنا شد و  
بالاخره بحالت ویرانی و بریشانی افتاده مرگ ساکنین  
آنها را دربرود!! (حضرت امیر ۴)

### ترجمه حامورابی

حامورابی یا هامورابی یا حامورابی آن نابغه قانون‌گذار شرق  
است که تاریخ نام او را همیشه بقید افتخار ذکر خواهد نمود.  
اسکندر کبیر از حیث عظمت و جاه، داریوش از جهت سلطنت و  
جلال هیچ يك پایه مقام این بانی شرق نمیرسند.

حامورابی یکی از سلاطین سامی بود که مابین سالهای  
۲۳۳۹—۲۳۹۴ قبل از میلاد یعنی چهار هزار و سیصد سال  
پیش از این در بابل سلطنت میکرده است. اسم او از لغت عیلامی  
اشتقاق یافته و بطوریکه میگویند معنی آن بزرگ‌زاده است.  
شکی نیست که حامورابی همان امورافل پادشاه (شنغار)  
است که در اصحاح چهارده گانه (سفر خلق) از آن ذکر شده که  
پس از آنکه بر بلاد کلدی استیلا یافت و عیلامی‌ها را که قرون

حق سقاها بکاس الموت ساقیها  
امت خراباً و دان الموت اهلها

\* این الملوك التي كانت مملوطة  
كم من مدائن في الافاق قد بنيت

تمامی در آن سر زمین سلطنت داشتند از کلدی خارج کرد. خود را سلطان عالم متمدن آن زمان (بغیر از مصر) معرفی نمود. مملکت حامورابی از بلاد فارس گرفته تا دریای متوسط (مدیترانه) امتداد داشت، ولی جنگهای پی‌درپی که تفصیل آن بر ما بکلی مجهول است، بالاخره سلطنت او را متلاشی و این سطوت و عظمت را از دست وی بدر ساخت.

یکی از مورخین یونان چنین میگوید: «در سرزمین عجیب و تاریخی بین‌النهرین صدها میل<sup>۱</sup> مربع زمین‌های سبز و خرم و وادیهای لم‌یزرع و اراضی خشک و باتلاقی دیده می‌شود که بواسطه مسدود شدن قناتهای مصنوعی این اختلافات تولید شده است. حامورابی سد سدیدی برای جلوگیری از طغیان آب دجله ساخته و قناتهای بی‌شماری که زمینهای کلدی را مشروب مینموده احداث کرده است.»

خود حامورابی در یکی از نوشتجات خود میگوید: «وقتی که ربه‌النوع «انو» و رب‌النوع «بل» سلطنت سرزمین سومر و اکاد را بمن اعطا نمود، قنات هومارابی را حفر کرده و با آب دجله زمینهای سومر و اکاد را که در اطراف این رودخانه واقع و قابل اکتش و زرع است آبیاری نموده حاصل گندم برداشتم، سرزمینی را که ساکنین آن تقسیم کرده بودند به شکل متحد در آوردم و با مردمان بخوشی و خوبی رفتار کرده امنیت را در تمام نقاط برقرار کردم.»

در یکی از ستونهای که موسیو «دو مرگان» (۱) در خرابه های شوش کشف کرده نوشته شده که حامورابی آفتاب‌پرست

(۱) موسیو دو مرگان M. de Morgan مستشرق شهیر فرانسوی حکه بموجب مصادقه ۱۸۹۴ بین دولتین فرانسه و ایران بخرابه‌های شوش رفته و آثار بسیار مهمی کشف نموده حکه قسمت اعظم آنها تا با امروز در موزه «لوور» پاریس موجود است.

بوده تمام قوانین و شرایط خود را از عطا‌های آن میدانسته است. در این ستون کلمات ذیل منقوش است: «این ولایات که منتهی می‌شود بآسمان و مردمان هنرمند دارد بحکم آفتاب خداوند و حاکم آسمانها و زمین بمن عطا گردیده آنچه را که پیاد هیکل «ایساغیل» محبوب خود بنا کردم برای این است که اسم مرا تا ابد در زبان‌ها جاری سازند. هر مظلومی که ادعای قانونی دارد اگر مقابل صورت من بایستد و این نوشته را بخواند و کلمات کرانبهای مرا بفهمد، بحقیقت که این نوشته دعوی او را ثابت و حق را نصیب او خواهد کرد و بالاخره خواهد گفت: حامورایی پادشاهی بود رعیت دوست و مظلوم‌نواز، کرامت و مجد خود را از (میروداخ) دریافت نموده و بمساعدت او بر شمال و جنوب تسلط یافت. موجبات خوشنودی خدای خود را فراهم ساخت و (میروداخ) قوانین و شریعت او را تا به ابد باقی و پایدار خواهد گذاشت.»

لقب «پادشاه نیکوکار» برای حامورایی بهترین القاب است، زیرا شخصی بود بغایت مهربان و با افراد رعیت به نیکی رفتار میکرد بطوریکه خودش میگوید: «حامورایی پادشاه احسان، آن کسی که آفتاب بوی قانون و حقیقت را بخشید من هستم، کلمات من در خور توجه است، اعمالم بی نظیر است، اشرار و بد کرداران را از بین می‌برم، اشخاص بآنکبر را فروتن می‌سازم. اگر کسی پس از مرگ من در محو این کلمات بکوشد، بیقین اقدام وی شریعت مرا از میان نخواهد برد. آنچه پیادکار از خود میگذارم فناپذیر است و آفتاب سلطان زمین و آسمان آنرا نگاهداری خواهد کرد. همان طوریکه مملکت مرا حفظ کرد. پادشاه احسان شخصی است که به رعایای خود نیکی و احسان کند.»

باز میگوید: «کلمات تاریخی من که بر روی تخته‌سنگها

نوشته شده میان اعقابم محترم خواهد بود. این کلمات قوانین مملکت من است. اگر شخص توانا و حکیمی بر این سرزمین تسلط یابد بمقتضی شریعت من رفتار خواهد کرد.»

آنچه را که این پادشاه نامور برای سلاطین و اعقاب خود از قبیل کتاب (وداع) و (شنون) نوشته ثابت میکند که رفتار و کردار او طوری بوده که اعقابش همواره او را احترام و تقدیس میکردند، قوانین وی تا پنج قرن پس از مرگش معمول و مجری بود و سرزمین بابل جایگاه راحتی و امنیت بود تا آنکه نائره جنگ از جبال عیلام و (عائو) به بابل و سوریه سرایت نموده ماه شهرت و معروفیش به محاق افتاد.

### شریعت هامورابی

هنگامی که موسیو «دو مرگان»، عالم شرق شناس فرانسوی بکاوش در خرابه‌های شوش بکشف آثار عیلامی پرداخت، ستون سنگی بسیار محکمی بطول دو متر و نیم بدست آورد که چهار هزار سطر از قوانین هامورابی بر آن منقوش و تمام را «ابه‌راشیل» متخصص در لغات سامیه بزبان فرانسه ترجمه و منتشر ساخت. این قوانین از جرائم، سرقت، رشوه شروع و به جنحه و جنایات و دزدیهای عادی، قصاص بندگان و غیره منتهی می‌شود. در موضوع خرید و فروش، اجاره اراضی، قرض و آداب تجارتنی مواد مخصوص ذکر کرده که عجاله از ذکر آنها صرف نظر میکنیم.

راجع به اطباء، بنایان، مهندسین نظام مخصوصی ترتیب داده و بطور خلاصه عقاب و جرائم قوانین او را میتوان بر اساس «العین بالعین و السن بالسن و الجروح قصاص» فرض نمود. و این عین

عبارتی است که مترجم قوانین او نقل میکند:  
 Oeil pour Oeil, Dent pour Dent, Tête pour Tête! A Mort

### توراة و قوانین حامورایی

وقتی ترجمه قوانین حامورایی در اروپا انتشار یافت، تمام متفکرین و دانشمندان غرب را بخود مشغول نموده در اطراف آن عقاید خود را اظهار میداشتند و بالاخره در نتیجه بحث و استقصای زیاد معلوم شد که بین قوانین حامورایی و احکام توراة از جهتی اختلاف و از جانبی شباهت بسیاری موجود است. (۲) اختلاف از حیث وقایع تاریخی و تشابه از نقطه نظر شرایع و قوانین کاملاً مشهود میگردد.

در قسمت اول علمای آلمان میگویند: حامورایی همان ملك «آمورانل» است که در اصحاح چهارده گانه از آن ذکر شده، ولی علمای فرانسه برخلاف آن معتقدند.

بقول دانشمندان آلمان حامورایی همان کسی است که توانست قشون سیل آسای «اریوک» و «لوم» و «تل عال» را شکست داده بر آنان ظفر یابد، ولی بقول شرقشناسان فرانسه حامورایی کسی بوده که خود را سلطان قادر تمام خطه آسیا میدانست و هیچوقت زیردستان خود توجهی نداشت.

یکی از القاب حامورایی بطوریکه قبلاً ذکر کردیم پادشاه بر و سلطان سلم است که خود را بدان ملقب نموده و در غالب آثار ذکر نموده است و در توراة از ملك سلیم بارها نام برده شده،

(۲) مستشرق علامه و فیلسوف قرن نوزدهم فرانسه «ارنست رنان» قبل از اکتشافات باین پی برده و در کتاب نفیس خود «تاریخ لغات سامیه» آنرا مورد بحث قرار داده است  
 Ernst Renan:

Histoire générale, et Système Comparé des Langues Sémitiques  
 Paris 1878.

حتی اورشلیم «مدینه‌الاسلام، قدس، مدینه‌المقدسه، ایلیاء، ابنه صهیون و اسامی دیگر آن است» ممکن است از اسم این پادشاه عدالت پرور به‌آخوذ باشد.

### عصرهای تاریخی

غالب مورخین، قوانین تورا را مبتنی بر شرایع بابلی دانسته و در اطراف آن مباحثات زیادی کرده‌اند. مسیو «ماسپرو» مدیر سابق آثار مصری در اینخصوص میگوید: من باینکه حامورابی واضع قوانینی بوده معتقدم، ولی در عین حال میگویم «سارگون» و «نمارائیس» هزار و پانصد سال پیش از او قوانینی راجع بتکالیف زنان و وظایف خانوادگی و تعیین مسئولیت اطباء، بنایان و غیره وضع، و این اقتباس سلسله‌وار بدوره‌های نامعلوم و عصرهای تاریکی که بر ما مجهول است منتهی میگردد و شاید اعقاب ما روزی باین اسرار تاریک و رازهای نهانی پی برده حقیقت را کشف نمایند.

### بابل آباد و بابل خراب

بابل یعنی این شهر تاریخی که موقیت قدیم آن در عالم بمشابه لندن و پاریس امروزی بود و چنین شرایع محکم و متقنی را دارا بود، امروز با يك عالم تأثر و تأسف بجز يك سرزمین خراب چیز دیگری از آن باقی نیست و گویا اشیای پیغمبر این خرابی را قبلاً میدانستند که اینطور برایش ندبه سرائی نموده: «ای عنزای مقدسه! ای دختر بابل، فرود آی و بروی خاک بنشین!

ای دختر کلدانین! از کرسی عظمت بزیر آی، زیرا تو دیگر به آن جاه و جلال اولی نخواهی رسید، بنشین و سکون

اختیار کن، در وادی خاموشان داخل شو، چه دیگر بیادت  
سایر بمالك بازگشت نخواهی کرد

ای حدائق معلقه بابل! خم می شوی، پژمرده میگردی، گویا  
دیگر آن ایام سعادت فرجام را نخواهی دید!

معجزه های بابل! باکمال تعجب این دیواری را که به  
واسطه برجهای قوی و سهمناک ساخته شده می بینم و بروزهائی که  
در پیش داری افسوس میخورم!

ارمیای پیغمبر نیز شرحی مبنی بر خرابی آن ذکر نموده و  
بنی اسرائیل را بانهدام آن خبر داده، ولی آثار مکشفه نام آنرا  
در صفحات تاریخ جاوید نموده و در عالم مدنیت خرابی و  
انهدام تا به ابد برای آن نخواهد بود!  
تا بوده چنین بوده تا باد چنین باد.

قاهره — سید مصطفی طباطبائی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

ایران تدویم

## آثار ساسانی در خوزستان

قطعه خوزستان یکی از مهمترین قطعات ایران میباشد  
که اگر مختصر اهتمام و توجهی برای آبادی آن  
صرف شود ثروتهای هنگفتی از منابع و معادن  
آنجا حاصل میتوان کرد. اگر يك نظر سطحی به



اهمیت و عظمت تاریخی این قطعه یندازیم معلوم میشود که در ایران

